

• **حوزه و تبلیغ**

تبلیغ وظیفه حوزه‌های علمیه است. بعضی‌ها می‌پرسند که راز و رمز موفقیت در تبلیغ دینی چیست؟ مرحوم والد ما می‌فرمودند: آقای حائری بزرگ، نسبت به امر تبلیغ اهتمام و اشراف داشتند و بعضی از مبلغان را خود امتحان می‌گرفت. می‌گفت: منبر برو و خودش می‌نشست، پای صحبت‌های او؛ گاهی هم می‌گفت: تو به درد منبر نمی‌خوری و نرو تبلیغ. اگر حوزه می‌خواهد پا بگیرد، می‌خواهد اسلام رواج پیدا کند، جلوی انحرافات گرفته بشود، باید از یک تشکیلات تبلیغی قوی برخوردار باشد.

• **راز موفقیت در تبلیغ دینی چیست؟**

(الف) اعتبارسنجی سطح علمی مخاطبین

اولاً باید مبلغ به زبان قوم صحبت کند و نیاید سطح بالا ببیند.

باید بداند، اینهایی که پای منبر می‌نشینند و در مسجد هستند، در چه سطحی هستند و متناسب با آن سطح صحبت کند.

(ب) آشنایی به مسائل روز

مبلغ باید آشنا به مسائل روز باشد: «العارف بزمانه لا تهجم علیه اللوابس».

(ج) اخلاص

یک از اموری که راز موفقیت است، اخلاصی است. حرف‌های مان برای رضایت فلاں و فلاں نباشد. وقتی که کار برای خدا باشد، خود به خود رشد می‌کند. اگر در منطقه‌ای روحانی هست و شما هم در آنجا به تبلیغ رفته‌اید، از در مخالفت با او وارد نشوید! با هم رفیق باشید. هر دو یک هدف دارند و هر دو هدفشان تبلیغ است. باید سعی کنیم که حیثیت و موقعیت او را خدایی نخواسته متزلزل نکنیم و از طریق رفاقت وارد شویم. بالاخره ریشه دوانده، سال‌ها آنجا بوده و خدایی نخواسته، اگر از در رفاقت و دوستی وارد نشدیم، نتیجه آن این است که عقاید مردم متزلزل می‌شود؛ لذا باید مواظب باشیم که این نکته را هم رعایت کنیم.

(د) اخلاق

نکته دیگر رعایت اخلاق است. رمز موفقیت یک روحانی این است که متخلخ به اخلاق باشد و تند نشود در صحبت‌ها و برخورد‌ها؛ بالاخره مردم که یکسان نیستند؛ بعضی‌ها تندی می‌کنند و جواب تندی، تندی نیست

ما برای وصل کردن آمدیم نی برای فصل کردن آمدیم با اخلاق می‌توانید مردم را جمع کنید.

(و) کارکردن با نسل جوان

نکته دیگر کارکردن با نسل جوان است. امروز دشمن روی همین‌ها دست گذاشته است. این واتساپ و فضای مجازی، یک

• **شیوه تبلیغ انبیاء ﷺ**

چند نکته اصلی در تبلیغ انبیاء وجود دارد:

اولاً انبیاء از جنس مردم هستند. در طول تاریخ از آدم تا خاتم ﷺ مشرکین اشکال می‌کردند که اگر شما فرستاده خدا هستید، چرا غذا می‌خورید؟ چرا مثل ما راه می‌روید؟ چرا خدا به‌جای انسان، ملک را برای پیامبری نفرستاد؟ و...

پاسخ این است که خداوند پیغمبران را از جنس بشر فرستاد. چرا؟ چون انبیاء وقتی از جنس مردم هستند، طبیعتاً آنچه که ابلاغ می‌کنند، اولاً خودشان باید مجری باشند؛ لذا دیگر کسی نمی‌تواند به آنها بگوید که آقا شما حرف‌های نشدنی دارید می‌زیدید که مثلاً به ناموس مردم نگاه نکن، غریبه داشته باش، گرسنه باش، هر مالی را نخور، خودت احتیاج داری به دیگران کمک کن، نمی‌دانم خودت لازم داری، حقوق مالی باید ادا کنی، زکات و خمس بدهی. خب ما نگاه می‌کنیم، می‌بینیم پیغمبران روی همین نکته غریبه تأکید داشتند؛ اما غریبه خود را کنترل می‌کردند و به ناموس مردم نگاه نمی‌کردند، گرسنه می‌شدند؛ اما به مال مردم دست‌درازی نمی‌کردند، تجارت می‌کردند. پیامبر اکرم ﷺ در مکه به محمد امین معروف شدند. اول تاجر مکه بودند. آن موقعی که خیانت در امانت، یک فخر برای عرب در اشعار و غیراشعار مطرح می‌شد. غارت کردن، دزدی کردن، ناموس مردم را دزدیدن، اینها فخر برای عرب بود. زن‌ها را اکثراً از غارت کاروان‌ها و قبائل و حمله به قبائل پیدا می‌کردند. یک آقای تمام‌عیار پیدا بشود در عین تجارت به‌اصطلاح امانت‌دار اول باشد، خب این معلوم است که اگر این شخص بگوید، امین باش! کسی نمی‌تواند بگوید: آقا شما نفست از جای گرم درمی‌آید. پیامبر تا آخر عمرش علی‌رغم اینکه این امکان هم در بعضی از ازمه‌ن برای ایشان فراهم بود یا در این اواخر که فراهم بود، پیغمبر می‌فرمودند: من دوست دارم یک روز گرسنه باشم، یک روز سیر باشم. همین حالت را هم داشتم. حالا سیره پیغمبر ﷺ که معلوم است، چیست دیگر نسبت به بقیه امور هم همین‌طور است.

نکته دوم در ابلاغ رسالت الهی، این است که اگر از جنس مردم بودی، باید بین مردم معاشرت بکنی و با مردم تخالط داشته باشی؛ به‌عبارت دیگر از یک نقطه عرشی با مردم حرف نزنی، فرشی باشی با مردم آمد و شد داشته باشی. پیغمبر ﷺ در مجالس آنها می‌نشستند. معصومین ما ﷺ هم همین‌طور بودند؛ امام حسن مجتبی ﷺ از بازار را می‌—شدند، تعارف می‌کردند، به طعام نشستند. با آنها در بازار و خیابان غذا خوردند؛ چیزی که ما این را از شئونات خودمان نمی‌دانیم. گاهی هم بعد که غذا خوردند، گفتند: من دعوت شما را اجابت کردم. شما هم دعوت من را اجابت کنید. تجارت آنها، معاشرت آنها و زناشویی آنها هم همین‌طور است. خب مردم به اینها نگاه می‌کردند در این تخالط در این به‌اصطلاح همنشینی‌ها و زندگی کردن‌ها چه یاد می‌گرفتند؟ یاد می‌گرفتند که می‌شود بنده خدا بود؛ در عینی که گرسنه بود. می‌شود بنده خدا بود؛ در عین حالی که ظلم نکرد. در جنگ رشید بود و در جنگ دست بالا بود و پیروز شد و می‌شود به ناموس مردم نگاه نکرد.

البته انبیا در تخالط با مردم برای آنها صحبت می‌کردند و تذکر هم می‌دادند. نکته اصلی در صحبت و معاشرت با مردم در این مخالط‌ها این بود که پیغمبران ﷺ به زبان قوم خود صحبت می‌کردند و این مشمول حکمت بود؛ ولی حکیمانه صحبت نمی‌کردند؛ یعنی مثل یک فیلسوف و یک حکیم صحبت نمی‌کردند؛ بلکه طوری صحبت می‌کردند که از یک بچه خردسال تا یک پیرمرد چند ده‌ساله، از فرمایش پیامبر برداشت می‌کردند. در همین صحبت هم، مراعات‌حال می‌کردند و طولانی صحبت نمی‌کردند. در جایی که لازم بود، تکرار می‌کردند. معروف است که نبی مکرم ﷺ گاهی فرمایشات خود را سه بار می‌گفتند تا به گوش همه برسد.

• **کارکرد روحانیت در تبلیغ و مسئله هجرت**

اگر یک عالمی بخواهد در مسند بزرگتر جامعه منشأ اثر باشد، باید با مردم زندگی کند و مردم او را بپذیرند. ممکن است، با یک دهه و دو دهه و یک سال و دو سال و سه سال، انسان به آن شرط نرسد. اینجاست که فکر می‌کنم، باید ما در بخشی از جابه‌جایی‌های تبلیغی خود تأمل بکنیم. در قدیم یک عالمی را می‌شناختم که از دوره نوجوانی رفته بود در یک منطقه از دهات وزامین در پیری هم اهالی آنجا به‌اصرار می‌آمدند و او را می‌پرند.

مبلغین با مردم

به زبان قومشان صحبت کنند

آیت‌الله نجم‌الدین طبسی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

به‌مناسبت سیزدهمین اجلاسیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با علمای بلاد با موضوع تبلیغ اولویت اول آیت‌الله نجم‌الدین طبسی عضو جامعه مدرسین حوزه قم درگفت‌وگویی به بررسی راز و رمز موفقیت در تبلیغ دینی و مشارکت سیاسی مردم ایران در انتخابات پرداخت که در ادامه می‌خوانید.

قتلگاه است؛ برای همین چون فهمیدند، اقتدار کشور به جوان‌های آن است، روی آنان سرمایه‌گذاری کردند که با

از طریق هروئین یا از طریق مفاسد است تا بالاخره اینها را از رده خارج کنند. اینجاست که ما وقتی که رفتیم، برای تبلیغ، هر کجا این طیف را که از پتانسیل بالایی برخوردار هستند، اگر تعبیر من درست باشد، انرژی بالایی دارند. شما ببینید عزاداری‌ها را چه کسانی می‌چرخاند؟ این سیل جمعیت در راهپیمایی‌ها اکثراً طیف جوان هستند. دشمن روی اینها حساب باز کرده؛ رمز موفقیت یک مبلغ هم، همین است که برود و اینها را پیدا کند با اینها رفیق بشود و اینها را به مساجد و به مجامع دینی و علمی بکشانند.

ز) آراستگی ظاهر

طلبه باید از وضع ظاهری خوبی برخوردار باشد تا برای دیگران الگو باشد و به‌نظر من یک مبلغ زمانی موفق خواهد بود که این مسائل را رعایت کند و نماز جماعت را به‌پا کند و نمازها را طول ندهد. اگر طول دادی، دیگر طرف شوقی‌ندارد برای شرکت کردن؛ پس نمازها را مختصر، منبرها را هم مختصر بیان کنید. لازم نیست یک ساعت و نیم صحبت کند.

روحانیت و نهادهای تبلیغی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها

گفت‌وگو با حجت الاسلام والمسلمین محمودرضا جمشیدی

تبلیغ به‌شکل عام و خاص، اصلی‌ترین کار انبیاء ﷺ است. شاید یگانه کار انبیاء همین باشد و من معتقد هستم که روحانیت هم، به نص آن حدیث شریف «العلما ورثة الانبیاء»، کار اصلی آنها هم، تبلیغ دین و ابلاغ رسالت الهی است. در این صورت باید بدانیم که اصول و شیوه تبلیغ انبیاء چیست؟ حجت‌الاسلام محمودرضا جمشیدی؛ عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، در این گفت‌وگو نکاتی در باره تبلیغ، اهداف، شیوه‌ها و رسالت حوزه‌های علمیه در امر تبلیغ بیان نموده‌اند که حاصل این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.



خب این عالم که می‌رفت از دهات اطراف آنجا می‌آمدند و آن منطقه را هم حضور این عالم آباد کرده بود؛ با ساخت مسجد، درمانگاه، خسالخانه، آب بهداشتی، حمام و گرمابه. خب این کارها به چه شکلی انجام شد؛ جز با نفوذ معنوی یک عالم که برای تبلیغ رفته و برای او فرقی هم نمی‌کند که عده و عُده چقدر هست؛ اما متأسفانه الآن بخشی از حضور علمای برجسته ما در شهرستان‌ها و قریه‌ها خیلی کم شده؛ یک موقعی در بعضی از قصبات می‌دیدیم که برخی مجتهدین به‌نام در یک منطقه‌ای هستند. درست است اینجا یک رویتناست، درست است اینجا یک قصبه است، یک بخش است؛ اما وجود آن عالم کل آن استان را تحت الشعاع قرار می‌داد. مسئله هجرت یک مسئله جدی است. یکی از مشکلات ما این است که در مسئله تربیت طلاب، از اول طلبه‌ها را برای این مسئولیت تربیت نکردیم؛ یعنی ما قله را مرجعیت نشان دادیم. من در بعضی از سفرهای تبلیغی با کشیش‌های مسیحی در رم ارتباط گرفتم. رتم یک کلیسایی و از کشیش آنجا درباره حضورش در مکان‌های مختلف پرسیدم. گفت: من ده سال در آمریکای لاتین بوده و ده سال هم در روسیه بودم. الآن هشت نه سالی

است که اینجا هستم و مراسم مذهبی بجا می‌آورم، صندوق خیریه دارم و به نیازمندان محل کمک می‌کنم. او از وقتی که وارد این لباس شده، این شیوه را برای خودش آماده کرده و پذیرفته که هر جالزام باشد یا به او بگویند، باید برود و آنجا بماند؛ نه یک روز و دو روز؛ بلکه ده سال، پانزده سال، بیست سال؛ اصلاً محصول او این است که در یک دایره‌ای چرخیده به‌اصطلاح تبشیر مسیحیت و کار تبلیغی کرده‌است.

الآن آمار مساجد و مجموعه‌هایی که شرایط تبلیغ را دارد؛ ولی بدون مبلغ هست، بالاست؛ درحالی‌که تعداد روحانیون ما که واجد شرایط تبلیغ هستند، بیش از تعداد مساجد و فرصت‌های تبلیغی فعلی ماست. حال سؤال اینجاست که چه دلیلی باعث شده که این ظرفتی‌ها پر نشود؟ اینکه واقعاً ما این آمادگی را در طلبه و در نظام روحانیت ایجاد نکردیم که هر جا که لازم هست، مثل یک سرباز برویم در آن سنگر. متأسفانه این خلأ وجود دارد و هنوز برای آن فکر جدی نشده‌است.

• **شیوه‌های نوین تبلیغ و مسئولیت نهادهای تبلیغی**

ما وقتی بخواهیم دایره رسانه را تصور بکنیم، یک دایره خیلی بزرگی می‌شود که چند دور همه زندگی بشر را احاطه کرده. به‌تعبیر من، در یک



رسالت حوزه‌ها تبلیغ است.

مبلغ باید کاری کند که موفق باشد

و اینها بعضی از رموز موفقیت مبلغ است.

مبلغان باید با تاریخ اسلام و احادیث اهل‌بیت ﷺ

و تفسیر آشنا باشند؛ بالتبع جواب شبهات را می‌دهند.

این‌طور نیست که هر کس آمد

یک القا یعنی شبهه‌ای را مطرح کرد. معاند است.

رسالت مبلغ این است

که اولاً خودش شبهه‌اندازی و شبهه‌افکنی نکند.

انقلاب، نوع نظام که همان جمهوری اسلامی است، انتخاب شد و قانون اساسی کشور هم، همین‌طور با رأی مردم، مجلسی شکل گرفت و قانون اساسی نوشته و به همه‌پرسی گذاشته شد. در طی این چند سال نیز، خبرگان با نظر مردم انتخاب شدند و در نهایت باید گفت، حفظ نظام در گروهی همین رأی‌گیری‌هاست و

• **حوزه و تبلیغ**

دشمن هم، پیشاپیش علیه انتخابات پیش رو جوسازی و تبلیغات می‌کند و نقاط ضعف کشور را بزرگ‌نمایی می‌کند. در هر کشوری نقاط ضعفی هست و هیچ کجا مدینه فاضله نبوده و نیست. بنده چندین سال برای امر تبلیغ به اروپا رفته‌ام و از نزدیک شاهد مشکلات آنجا و اعتراضات و ناراضیاتی‌های مردم‌شان بوده‌ام؛ اما دشمن خار در پای ما را می‌بیند؛ اما تنه درخت را قطع افشاده است و تمام تلاش خود را می‌کند تا نقاط ضعف کوچک را بزرگ جلوه بدهند تا مردم را از پای صندوق‌های رأی دور کنند. ما که دوست‌دار استقلال کشور و بقای نظام هستیم، باید خودمان را نسبت به انتخابات موظف بدانیم؛ هرچند برای ما مشکلاتی است و کجای دنیا هست که مشکلات نیست و ما علی‌رغم همه این مشکلات باید پای صندوق رأی بیاییم و هم در انتخابات شرکت کنیم و هم دیگران را نسبت به این امر تشویق کنیم و اگر بعضی‌ها نسبت به این مسئله بی‌تفاوت‌اند، بدانند که با قهر کردن از صندوق رأی مشکلی حل نمی‌شود. با رأی دادن هست که موقعیت نظام و حاکمیت قوی‌تر می‌شود و امید دشمن تبدیل به یأس و ناامیدی می‌شود؛ بالاخره این مسئله را باید همه عزیزان، همه شهروندان، همه ایرانی‌ها و هرکسی که حق رأی دارد، در نظر بگیرد که شرکت در انتخابات در واقع، باعث تقویت نظام و تقویت استقلال کشور خواهد شد؛ لذا باید تلاش کنیم و از مشکلات و نقاط ضعف چشم‌پوشی کنیم و با شرکت کردن در انتخابات بتوانیم، به دشمن تفهیم کنیم که ما علی‌رغم این مشکلات، نظام را می‌خواهیم و حاضر نیستیم، حاکمیت و استقلال کشور را به دیگران تحویل بدهیم.

روحانیت و دادگاه انتظامی قضات را درست کرده؛ ولی اینکه یک روحانی به خودش اجازه بدهد، با رفتار و یا با گفتار خود، در مسائل مهم دینی ابزار نظر بکند و مردم را دچار تردید بکند و بیاید یک کتاب راجع به یک مسئله مهمی که فقها در آن مسئله اتفاقاً نظر قطعی دادند، بنویسد. این را باید واقعاً یک کاری برای آن کرد؛ یعنی من فکر می‌کنم که باید جامعه مدرسین و شورای عالی حوزه، با مشورت و رایزنی با رهبری نظام دام عزه الشریف، با هم‌اندیشی و هم‌راهی و کسب نظر از مراجع عظام تقلید و نیز، با استفاده از نظرات بزرگان حوزه راجع به این مسئله، یک فکر اساسی و جدی بشود که ما هر روز، با یک رفتار سلیقه‌ای از یک روحانی مواجه نشویم. من فکر می‌کنم که روحانیت احتیاج به یک سازماندهی در این بخش‌ها دارد. به نهادهای نظامی انتظامی قضایی هم نمی‌شود، این کار را سپرد؛ چون بخشی از این کارها، در دایره انتظام نهادهای نظامی نمی‌گنجد. بخشی از این‌ها در دایره نظام تقنینی نمی‌گنجد؛ یعنی در رتبه قبل از اینهاست. یک فتواست، در چه دایره‌ای فتوای شاذ و نادر را بشود پخش کرد یا پخش نکرد؛ بالاخره تکلیف این، باید یک جایی مشخص بشود؛ البته من نمی‌خواهم بگویم که یک مجموعه‌ای درست بکنیم که به–اصطلاح، همه راه‌های حضور در عرصه‌های مختلف را ببیند؛ نه طبع روحانیت این‌طور است و نه طبع بزرگان ما. آزادترین منش و روش در نظام حوزه روحانیت شیعه است. شما این همه کتب شیعه را ببینید، مشحون از آرایبی است که در مقابل استاد و شاگرد با هم بیان کردند، رد نوشتند، نقض کردند و فتوا دادند. ما هر وقت که می‌خواهیم، این بحث‌ها را با بکنیم، یک عده‌ای ممکن است، بگویند که آقا شما می‌خواهید، یک نظام انحصاری درست کنید؛ نه این نباید باشد و نیست و نخواهد بود. بحث ما این است که این بی‌درو پیگیری باید حلف بشود.

• **سخن پایانی**

مقدمه ابلاغ رسالت الهی، تعلیم و تعلم و پژوهش است. پژوهش یعنی در نظر داشتن قله‌های علمی و عملی برای رسیدن به مجهولات. مجهولات در حقیقت حقایق دینی هستند؛ ولی حقایق دینی را که کشف کردیم، می‌خواهیم که پخش بکنیم و منشأ اثر باشد و اجرا بشود. اینها همه مقدمه است، برای ابلاغ رسالت الهی. من فکر می‌کنم که جایگاه تبلیغ را دو مرتبه باید بازتعریف کرد و مبلغان یعنی سربازان حضرت ولی‌عصر ^(علیه‌السلام)، طلاب، فضلا و اساتید حوزه‌های علمیه هم، باید برای این کار آماده باشند؛ یعنی برگردیم ببینیم که اگر کار ما کار پیغمبران است، پیغمبرها از چه شیوه و از چه ابزاری استفاده می‌کردند و چه ویژگی‌های را داشتند. این آخرین نکته‌ای که می‌خواهم اشاره کنم، نکته‌ای است که ما گاهی آمادگی داریم، عده و عُده آن را هم داریم؛ ولی آن آراشم لازم را نداریم؛ مدارایی که خدا برای پیغمبران خود لازم می‌دانست تا با مردم ارتباط بگیرند، آن مدارا را نداریم. انتظار داریم که در فرصت‌های کوتاه منشأ اثر باشیم و مردم هم تأثر پیدا بکنند و همراه بشوند. این شدنی نیست. تبلیغ خون دل خوردن می‌خواهد. ارتباط با مردم چه در فضای رسانه، چه در فضای حقیقی، چه در تبلیغ سنتی و چه در تبلیغ امروزی نوین، این احتیاج به مدارا دارد و احتیاج به همراهی دارد تا مدارا در ما نهاده‌نی نشود. ما نمی‌توانیم با مردم ارتباط بگیریم؛ به‌خصوص که ما در یک نظامی هستیم که به‌توفیق الهی این نظام مقدس جمهوری اسلامی، در طول این چهل و چند سال با مشکلات فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بوده است. جنگ را داشته؛ درگیرهای نظام در جنگ نرم و جنگ سرد، محاصره‌های اقتصادی، تحریم‌ها، تهاجم فرهنگی، تهاجم سیاسی و... خب یک ملتی که همه طور تحت فشار هست، ممکن است که بخشی با طیف وسیعی یا کمی به شرایط و زمان و اقتضانات، از یک چیزی و یا از یک کسی خوششان بیاید و از یک نهادهی خوششان بیاید یا بدشان بیاید، به‌حق یا به ناحق، اگر بخواهیم روی آنها اثر بگذاریم، باید تحمل برخورد با این جریانات و این شرایط را داشته باشیم تا وقتی من تحمل ندارم، محطور می‌خواهم بگویم؛ شما دارید اشتباه می‌کنید. شما باید به این نکته‌ها توجه کنید. شما باید این دوزنماها را ببینید. باید تحمل داشته باشید. رفتار انبیاء سلف را می‌بینید و این تاریخ انبیاء به نظر من هر دوره و هر لحظه در حال تکرار است. تاریخ معصومین ^(علیهم‌السلام) در حال تکرار است. یک امر کاملاً روشن و مبینی است و این احتیاج به بازرطراحی و بازترتیب حوزه‌های علمیه در این بخش هم دارد.